

اسم جنان حیوانات در سبجل سپاه ثبت و انجام  
 کار ایشان محول بیکم دیوان جزا خواهد بود .  
 آن وجود خبیث که امتی در سبجل سپاه نوشته  
 نمود آشنائی و ملاقات او حتی از برای عیال او  
 حرام و دفع شر او بر هر صاحب غیرت واجب  
 خواهد بود . ترئیات آدمیت در این مشایخو نیست  
 که صاحب اسم سپاه در هر مقام که باشد ممکن  
 نیست که وجود نالایق او آخر الامر معذب و مغفور  
 هر دو عالم نشود .

حربن آدمیان را از آسیب معاندین بچه اسباب  
 میتوان حفظ کرد ؟

اولاً بقدرت آن قانون مقدس که جمیع افراد  
 آدمیت را ضامن و مستحفظ و منتقم همدیگر قرار  
 داده ، ثانیاً بکرامت حرز اعظم .

حرز اعظم کدام است ؟

آن توقیع امنیت است که اوپای آدمیت بر

و چه مکافات بادر که ...

باشد عطا میفرمایند .

دارای حرز اعظم هر شهری که وارد شود  
 عزیز آدمیان آنجا خواهد بود . در میان هر  
 نوع گرفتاری به محض ابراز آن سند شریف امانت  
 و پرستاری او بر عموم اخوان واجب خواهد  
 آمد ، و اگر احیاناً بدون حکم قانون محبوس  
 بشود ائمه نان بر کافه آدمیان حرام خواهد بود  
 تا اینکه آن مظلوم را خلاص نمایند ، این  
 حرز اعظم از اسرار متبرکه عالم آیه است ،  
 سب قدرت باطن آنرا نمیتوان در اینجا بیان  
 کرد ، همین قدر بدانید که حرز اعظم  
 اقواس پر بلاهای دنیا است ، آن مؤمن یاك که  
 مستحقاق صاحب این درمان امنیت شده باشد در  
 میان هر نوع خطر از هر قسم آسیب روزگار  
 محفوظ خواهد بود .

از اسماع این تفصیل یقین در قلب خود تعجب  
 میکنید که چرا این ترتیبات از قدیم معمول نبوده .

از کجا میدانید که اوپهای معرفت از قدیم  
 و اقب این اسرار و عامل این تربیبات نبوده اند .  
 یکی از ارکان ایمان اسلام دیگر نه نیست که در  
 دنیا آنچه عم و حکمت بوده و آنچه هم بعد ازین  
 از مکنونات معرفت بروز بکنند همه از منبع  
 نوار اسلام است ، کستی بخار و تاغراف و حسن  
 نصیحت خواجه دکان تربیبات عالم نیست مگر از  
 پی تو بک شع اسلام . و اگر نجات حقیقت  
 اسلام تا این اواخر در این ملک ظهور کامل نداد  
 سه سبب آن فقط از نقص استعداد خانی بوده .  
 در این ایام که شاید ظم و منتضبات ترقی عالم  
 سعور و غیرت این مات را بپوش آورده ظهور  
 قدرت آدمیت لازمه تفضل الهی و حق مسلم این  
 پس مستمند شده است ، اینست که امروز  
 جمیع ارواح مکرم و اوپهای دین ترویج این  
 اصول را تصهیم همت ساخته دنیا را پراز صدای  
 آدمیت کرده اند .

و گداه عالمی است که در مقابل این صدای حق  
 یارای سکوت داشته باشد ، کجاست آن مسلمانان  
 بیدین که بتواند بگوید ترقی عالم و نجات این خالق  
 دخی باسلام ندارد ، و از برای دفع این دریای  
 مصائب چه تدبیری تقدیر و مؤثر تر از ترتیب  
 آدمیت .

آدمیت چه میگوید که هر علم علماً ثابت و بر  
 دیانت اینان واجب نباشد ، میگوید -  
 ای علمای دین ، ما آدمیان این ملک به  
 متابعت روح شریعت خدا از برای حفظ حقوق  
 ملت يك اردوی اتفاق، ترتیب داده ایم ، هر  
 داران این حزب الله بحکم هر نوع استحقاق خود  
 شما هستید ، آن مجتهد جامع الشرائط که  
 شما منتخب فرمائید یا آن وجود عالی همت که  
 خودش بقوت ایمان خود پیش بیفتد ما همه  
 پیرو و فدوی او خواهیم بود ، ای ویرمان رسول  
 خدا ، ای اهل کفر این مات و از گون بخت

در قبول چنین دعوت روحانی چه تأمل دارید ؟  
 با کرامت این اتفاق ملی که در ظاهر و باطن  
 کل این امم را منتظر ارشاد شما ساخته چه اشکالی  
 خواهد بود که بیست اقدام مردانه علمدار این  
 رده‌ی نجات واقع بشوید .

و شما ای برادران مظلوم ، شما که در این دقیقه  
 صدای روح آدمیت را به این صراحت مینویید ، شما  
 که خودتان برای ابراز نور آدمیت خود دیگر چه  
 عذر استظار دارید ، کلام حق روشن ، عقول  
 امم در جوش ، اردوی نجات مرتب ،  
 ندای هاتم غیب الله اکبر ،

﴿ اوایل قرن چهاردهم هجری قمری ﴾

﴿ انتهی ﴾

آقای محترم ، اوضاع همین است که می بینید ،  
 دنیا مفتوش و حیات شاه نشو و تر ، شما بر حسب  
 ظاهر زنده هستید و اینک ما میدانیم در باطن ازین  
 زندگی خود چه قدر خسته شده اید ، و الان که  
 شما این سطر را میخوانید ما خوب می بینیم در  
 دل خود چه نوع غم و غم زنگینی دارید ،  
 به تعجب فکر میکنید که ما کیستیم ؟  
 ما همان خیر خواهان صدیق هستیم که  
 میدانید ، شما در این مدت از حقیقت حال ما  
 خیلی بیخبر ماندید ، اما بر عکس شما ما از اول  
 تا آخر همه جا مواظب احوال شما بوده ایم .  
 ولی شما در دنیا خیلی تنها مانده اید و تنهایی  
 بسیار درد دنیاست .

ما هم یک وقتی بدتر از شما گرفتار همین درد  
 بودیم ، اما حالا در این گوشه خلوت بنما خبر  
 میدیم که بیک فضل رحمانی که تفصیل آنرا بعد  
 خواهید فهمید این اوقات ملحق شده ایم بیک

اردی اتحاد که از دقایق نزدیک و از دست خود  
 آن آنچه گوئیم بنظر شما اضراق خوانند آمد ،  
 چیز که شما خودتان به اندک تحقیق متوجه بودید بافت  
 نیست که سلسله اتحاد ما الان کل این عالم را در  
 حصار و باطن احاطه دارد .

تقصود سلسله ما خیلی سهل و سهل آفتاب  
 روس است ، ما فهمیده ایم که بواسطه نهانی  
 در دنیا جقدر مظلوم بوده ایم و حالا . . . بر ایم  
 دیگر شما نباشیم . ما ظهور فصول انسانی بسته  
 بقدرت جماعت پیدایم ، و از برای نظم و آباد و  
 ترقی جماعت روح شریعت اسلام راهادی ما را می  
 شناسیم . دین ما دین خدا ، طرفت ما صرفت  
 آندین . مراد ما سعادت بی آند .  
 گر چه ما بمرتبت رحمت الهی خیر تمام  
 عموم ملل هستیم ، ولیکن از برای انتخاب چهار  
 انسانی بعضی تعلیمات و قواعد دقیق بما رسیده که  
 از آن جمله یکی همین طرز خطاب غیبی است ،

خیال نکنید که این لایحه خود بخود بدست  
 شما افتاده ، در هر جا پیر ترکیب و پیر راه  
 که بشما برسد بدانید که دوستان مخصوص شما دانسته  
 و به تدبیر بان راه بشمارسانده اند ،  
 موافقی اصول ما از امروز که این لایحه را  
 میخوانید بر ما واجب است که شما را وجود معقول  
 ولایة اتحاد آدمیت بدانیم ،  
 شما معنی اتحاد ما را خواه بفهمید خواه نفهمید  
 ما زحاما مخلص و عمد و همدست صدیق شما هستیم  
 ، ازین ساعت خیر شما خیر ما و دشمن شما  
 دشمن ما خواهد بود .  
 درین صفحات هر سهری که وارد بشوید حمی  
 از اخوان ما را حاضر خدمت خواهید یافت ،  
 حجت اخوت شما همین لایحه خواهد بود ، و  
 اگر این لایحه در دست حاضر نیابد کافی است  
 که بگوئید - من آدم هستم - بمجرد شنیدن  
 این کلمه شما را آدم خواهند شناخت ، و مادام که



از شما خلاف انسانیت حرکتی بروز نکرده آن محبت و جوانمردی که بمخاطر برسد در حق شما مینول خواهند داشت .

بعد از روی ضرور خود را ازین قسم معاونت جماعت مستغنی بشمارید ، شما شخصاً هر چند معقول و از استحکام مقام خود هر قدر مطمئن باشید باز ممکن است بلکه از احتمالات بومیه است که وقت شما را بی جهت بگیرند حبس و زنجیر و گرفتاری است عترت نمایند ، در میان چنان گرفتاری با این حالت نهائی چه میکنند و چه میسویند ، اما اگر بفضل الهی دارای این حجت اخوت بودید در هر صورت این اطمینان قوی را خواهید داشت ، « چچی از اکابر قوم ، و گروهی از برادران جو مردم هم بشکایت جماعت ، هم باقتضای حیطه منت شخص خود ظاهراً و باطناً متوجه حان شما و در تدبیر نجات شما خواهند بود .

لازم نیست از حالا بگوئیم در بعضی مواقع خاص

دست است ما قدر چه نوع کرامتها خواهد بود  
 آنچه و . و از رسوم عادیّه است اینست که ا  
 امروز در . در چوقه دایره زندگی خود را  
 تأثیر حد . خالی نخواهد یافت . هر وقت  
 ناخوش شد به محبت برادرانه از شما عیادت خواهد  
 کرد . در عرج حفظ الغیب شما را بر عهده خو  
 واجب خواهیم دانست . در غربت شما  
 تنها و بی خبر نخواهیم گذاشت . و اگر  
 خدای نخواسته در جایی گرفتار باشید . بیا  
 و کسان شما بقدر فوّه امداد و اطلاعات  
 خواهیم رسانید . خلاصه بعد ازین وجود  
 جزو وجود ما خواهد بود . و در هر حال هر چه  
 و انسانیت که در فوّه بشری باید از راهها بگذرد  
 منتظر نیستید بنما خواهد رسید .  
 نکته که قطعاً اسباب مریدت است شما خواه  
 بود اینست که در عوص همیج قسم محبت و جانان  
 از برای شما هرگز هیچ زحمت و سزائی نخواه

دست ، توقع ما فقط این خواهد بود که شما  
 می . . . قسم همدستی جهالت ما را بقدر معمول این  
 هم جنس خود بفهمید و بقدریکه میل دارید موافق  
 سابقه خود تقوی این افراد بسوید .  
 و اگر فرصتاً بر خلاف امید ما قدر این اتفاق  
 ملی را ندانید چندان ضرر نکرده ایم زیرا که در  
 مقابل عتاب باینفر بقین است که مهم در نفر دیگر عین  
 در بصاعت تلافی خواهد کرد . و حال آنکه  
 با آن ذوق و جوش طفی که این ارفقت کل اهل  
 ایر . . . به هیچل آورده ممکن نمس که ازال  
 شما اسخاس منتحب بتو نند از روس ایام خارج  
 و در میان این تلاصم افکار عامه بی قهر و بی حس  
 نسبتند ، شما فرقدر هم نخواهد خود را بی  
 ذوق و جهاد بسازید و قطعاً عر دقهه در قاب  
 خود ناه میکنند - که این زندگی مازندگی  
 نیست و از بی نجات این هات مستمند باید حکماً  
 کی کرد - و اینکن بهمه جوش ضبع خارج

ازین سلسله انفق چه میتوانید بکنید بجز اینکه  
بر مظلومی خود و بر خاکساری ملت اشک بچااصل  
بریزید .

آنچه اجداد ما در ظلمت تفاق گریه کردند بر،  
است حال وقت بیداری و عهد اتحاد است ، و چه  
اتحادی سهل تر و مبارک تر ازین اتحاد حاضر که  
در میان اخوان و هموطن و همدین و همزبان و همدرد  
منعقد شده است .

اتحاد ما در عین سادگی جامع جمیع آن آرزو  
هاست که شما در این مدت در قلاب خود پرورش  
داده اید ، در دایره اتحاد ما هیچ حرف و  
حرکتی نخواهید یافت که مطابق اصول شریعت  
خدا و مضمن ترقی ملت نباشد ، متمسود مایه  
، اعمال ما همه آشکار ، اقوال ما همه خیر بی  
انسان .

اگر شما بدبختانه برخلاف ما اول ما از ادراک  
نام این اتحاد عاجز هستید پس این لایحه و ازود

پاره بکنید و دیگر اسم آدمیت را هیچ بزبان  
نیارید ، ولیکن اگر بیماری سخت بلند و بشوهد ،  
سیحان قدر خود را قابل شرف آدمیت می بینید  
و اگر واقعا آدم هستید پس تا فرصت است ، می  
نمایید که در عرصه آدمیت وجود خود را بکای  
بمصرف نگذارید .

شما در هر مقام که باشید میتوانید بدون زحمت  
نسبت باین جماعت دصد هزار گوته خدمت بسویند  
، و از همه نشدند خدمت آنست که آشنایان و معنویان  
خراف خود را بر اسم الهی در این سلسله واردت  
بحدود شریک و هم عهد و هم قسم بسازند .  
بی لایحه را بهر دوستی که عزیزتر از خود ندارید  
تسلی بدهید و اگر لازم شود که نسخه نام بدوستان  
دیگر برسانید هر قدر میخواهید فرستاده . تراحد  
شد ، چه حاجت به تفصیل که هر قدر بر اعتبار  
و بر قدرت این جمعیت بیشتر اعتبار و بر قدرت  
سخن خرد افزوده آید .

بیاد از استعداد اطرائیهای خود زود مأیوس  
 بشوید ، جوهر ذاتی این قوم را قابل هر قسم  
 کرامت بدانید ، نیکان و جوانمردان طبقات را  
 يك بيك پیدا نمایند و از برای ظهور جاذبه اتحاد  
 همین قدر مواظب باشید که افراد ایشان را بقدر  
 امکان باهم بیشتر مربوط و جمع نگاه دارید .  
 اولیا و امانای این جماعت ربانی چنانکه خواهید  
 دید عموماً از علمای اسلام منتخب شده اند ،  
 در تکریم و جلب توجه ایشان باید آتی غفلت نکنید  
 نور ارشاد و جوش غیرت ایشان امروز یگانه  
 امید نجات این ملک است .

هم دیگر که باید مخصوصاً در نظر داشتن فقره  
 مخالفین آدمیت است ، بعضی ازین مخالفین بحکم  
 يك حماقت ذاتی آشکارا و فهمیده از ما بد میگویند  
 ، باین گوساله های فلک زده هیچ اعتنائی نباید  
 کرد ، بعضی دیگر باقتضای يك خیانت بی درمان  
 دشمن هر اتفاق و از برای خرابی هر بنای خیر حاضر

هر نوع بیدینی هستند ، باید باین - بندش مگر و ه  
 که جزاه ایران شده اند حالی کرد که تکلیت هستی  
 خود را در هر تاریکی که مخفی بدارند نمکن نیست  
 که شاعت قصد ایشان در نظر معرفت آدمین  
 یونیده و بی جزا بماند چنانکه بهر مجمع هودت  
 که وارد بشوید خواهید خواهم دید که غیرت اسوا  
 ماسم و رسم این منافقین سپاه روز کار را نایچه درجه  
 مدفون لعن دنیا ساخته است ، انصاف ، شما  
 نیز البته بر شما واجب خواهد ساخت که شما هم  
 بهر مردانگی که از برای شما دسر شود سلسله  
 اخوت ما را از شر این قبیل جانوران ملعون جدا  
 محفوظ بدارید .

و خیال نکنید که این قسم خدمات شما در نظر  
 حاعت مجهول خواهد ماند ، سلسله ما از متری  
 نامرتب هم ، چشم و گوش است هر محبت و اعانتی  
 که از شما ظاهر بسود مجال است که حد مقابل  
 آن بخوابد که هیچ بخاطر شما نمیرسد در حق شما

ظاهر نمود ، و اگر هم با تمرص امروز از حق  
 تناسی بین حزب الله هیچ فایده نبرید در روز  
 حساب در درگاه حق لامحاله این سر بلندی را  
 خواهید داشت که در دنیا وجودت مصرف نبود باید  
 ، پس ای برادر مکرم ، در این دقیقه مهم  
 که شاید از برای شما ابتدای یک عمر دیگر باشد  
 این ابلاغ روح جامع ما را بگوش هوش بشنوید .  
 معنی هستی را منحصر باین تاریکی حجاب حاله  
 خود ندانید .

قدرت الهی و معجزات عالم اسما ، هزاران مرتبه  
 فوق جمیع تصورات است ، دنیا و ایران را  
 خالی بدانید ، و اگر اسباب زندگی هستند  
 زندگی جسمی را از ناصر و ار و ترب جماعت  
 مانع باشد ( اوایل قرن چهاردهم شمسی )



• توفیق امانت •

• جزء اول •

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

جناب آم •

پریسانی امور ، تمدیات دیوان ، و رانی  
ملك ، فلاکت ملک ، کی و آما دیدن ، از ،  
بوده است ؟ !

چشم و گوس خه را هر قدر پیوسته آید ، حال  
است که بر حال این ملک ترجم نکند •  
و اینکن از ترجم ساک چه حاصل •

در میان چنین مصائب عامه ترجم مثل جناب شما  
اندر خاص چرا با آرزوی بی اثر و بی اثر •  
فرمائید - بقیه ای چه میتوان کرد •  
اولا سماتنها بندید •

توفیق امانت ۶۶ جزو اول

ثانیاً اگر هم تنها باشید باز فریضه آدمیت شما اینست  
که بتنهائی بمقام کار بر آید .

کار و مقام جناب شما مشخص است .

شما بایستحقاق فضایل خود و بحکم انتخاب جماعت  
امین آدمیت نصب شده اید .

از ترتیب این سلسله شریف و از مقاصد عالیه

این حزب الله اطلاع کافی دارید .

از روی تجربیات تاریخ و بحکم اصول شریعت

غیرا خوب مبدانید که زندگی و ترقی هیچ ملت

هرگز ممکن نبوده مگر با تفاه و اتفاق ملت

در هیچ عصر صورت <sup>نمی</sup>گیرد مگر بترتیب

جوامع .

\*

ترتیب جوامع اول شرط ظهور قدرت ملت

است .

قصر زندگی يك ملت هرگز ساخته نخواهد شد

ک

لذا از برای ارباب هم ، از برای جویندگان  
فلاح ، از برای آن ارواح مکرم که به همت  
یاک آرزومند احبای این مات هستند اقدام خدمات  
اینست که درین ملک بانی جامع بودند .  
عقل کدام مؤمن ، قلب کدام محس درو عالی  
سعادت چنان خدمت میتواند پیس و پیسر  
ببخشد .

در ایضای این مأموریت مهندس از فوریت خود  
هیچ تردیدی نداشته باشد .

﴿ و الذین جاهدا و قینا انهدینهم سبیلنا ﴾

﴿ و ان الله مع المحسنین ﴾

\*

علاوه بر هر قسم تأییدات روحانی در عالم  
ظاهر نیز به عموم جوامع دستورات العمل مؤکد  
رسیده که در تقویت و جود شریعت ائمه هر  
نوع همت را بر خود واجب بدانند .  
با چنان توجهات ظاهر و باطن و با آن انوار

توفیق امانت ۶۸ جزو اول

ازلی که مرکز قلوب یا کت کدام خدمت است  
که در راه فلاح از برای يك عزم مقدس آسان  
شود .

\*

در هر مقامی که باشید باندك اهتمام میتوانید  
جمعی از آشنایان و اقوام و معنویان را سردور خود  
جمع نمایند و موافق اصول آدمیت يك جامع  
معتبر ترتیب بدهید ( و اندو عنبرتك  
الاقربین )

با چنان مقدمه سهل ، با تکثیر و ارتباط  
جوامع کدام نصرت است که هوش و درایت  
عالی نتواند از حالا تصور نماید .

\*

شرط نصرت برای آن و جود فرزانه این  
خواهد بود که در ابتدای عمل حواس خود را  
در فقرات جزئی متفرق نفرمائید ، جمیع  
آن دقیق که مذهب شریف میرسد در وقت خود

شکفته و مبرهن خواهد شد .

کار امروز فقط وفاء است که آموختن را از یاد  
آدم جمع نماید و جامع تربیت بدوید .

درایت دانا خوب میداند مطالب را  
باید شروع نماید

استبدلای ظلم چنانکه مشهور است  
پیش را درین ملک خسته کرده است .

غاصبان حقوق ملت اهل این خاک را به شمال  
هرفوع ذلت اسیری به اسیری مادت داده اند .  
این بحاره ها تصور يك وسیع دیگر را بنا بر  
ممکنات میدانند .

باید اول برفع این غفلت شروع گوئید .

باید عقول مستعد را بشورش بیدار و ماست  
این حقیقت ساست که هدای مایل این ماست  
از برای این دریای مغانت نیاز بد است .  
رحمت الهی علاوه بر نویدهای تنه با در همه دنیا

توفیق امانت ۷۰ جزو اول

بجز نعمات وافر حق آدببان قرار داده که  
ظالمان ملک همه را باعمال اغراض خود ساخته اند  
، در شرح مصائب زمان این نکته را باید ذم  
مردم ساخت که دفع همه این مصائب در دست  
خود ملت است و ظهور قدرت ملت ممکن نیست  
مگر با اتفاق ملت .

باید در هر گوشه ، در هر مجلس ، بر سر  
هر منبر پیر زبان مردم حالی کرد که امروز اتفاق  
ملت شرط ناگریز بقای اسلام و اولین فریضه  
حق پرستی شده است و آن نامسلمان که در  
میان این طوفان بلایای ملی از اتفاق ملت خارج  
ماند دشمن اسلام منکر خدا و کورسری حیوان  
دنیاست .

\*

اگر جمایق این طایف را آنطوریکه باید بهل  
بهر مائید ممکن نیست که قلوب يك و اصحاب شو  
الیوفی ر طایف چنان اتفاق نسوند .

هر وقت و هر جا این نوع اشخاص پیدا  
 پیدا کردید قبول آنها به این دایره امانت  
 موقوف به صواب دید جناب شما خواهد بود ،  
 بدیهی است که تا از معصومیت و امانت مراد از  
 شخص درست مطمئن نشوید هیچیک از امانت  
 معارف آدمیت را بر روی او نخواهد آورد .

\*

صفت لازمه آدمیت همان است که در بیان  
 شده .

آدم باید متدین ، طالب علم ، متدربالم ،  
 مستحفظ قانون ، مروج آدمیت و آرزو مند  
 جمیع ترقیبات دنیا باشد .

آدم باید معنی انفاق را به نحوی فهمیده باشد که  
 در تقویت این اتحاد و در معاونت احبب ان آدمیت  
 از هیچ قسم فداکاری معایبه نداشته باشد .

\*

رسم اعانت در آئین این جاست بر سه قسم است .

• اعانت عقلی

• اعانت مالی

• اعانت بدی

آدم شایسته آنست که بهر يك از این سه طریق  
معین آدبیت باشد .

کسیکه به هیچیک از این سه طریق آدبیت  
خدمت نکند وجود بیصرف و از حوزه آدبیت  
خارج است .

\*

در مراسم معاونت و همچنین در کل آئین  
آدبیت جرأت بنای جمیع صفات مردنگی است .  
جرأت اولین مستحفظ حقوق آدم و آخرین  
بناه مظلوم است .

بدون جرأت نه زندگی هست نه آدبیت نه  
جماعت و نه اسلام .

در فضایل عالم کبر ائمه اطهار سرمشی که  
از برای هدایت امت پدش ار همه روشن می بینم



همان آتش شجاعت ایشان است ، این آتش  
 آسمانی را که ظالمان مات کس میخوانند در  
 قلب این امت خدا بکای خاموش بگتند باید به  
 انوار آدمیت دوباره درین ملک مشتعل .

✽

شرف آدمیت توفیق آسمانی است .  
 آدم باید این شرافت ذاتی خود را بدر  
 بسازد .  
 آدم باید از آدمیت خود همه جا فخر بگند .  
 کسیکه از آدمیت خود بترسد نه آدم است نه  
 قابل آدمیت .

آدم باید در اول ورود خود بدایره اخوان  
 الصفا صدق نیت خود را در حضور امین بقبند  
 عین تعهد نماید .

کسی که در قلب خود نور آدمیت حس بگاند  
 باید آشکارا بگوید ، من آدم نیستم .